

زبان سرخ رسانه چراغ خانه قدرت



قادر باستانی تبریزی

پژوهشگر علوم ارتباطات

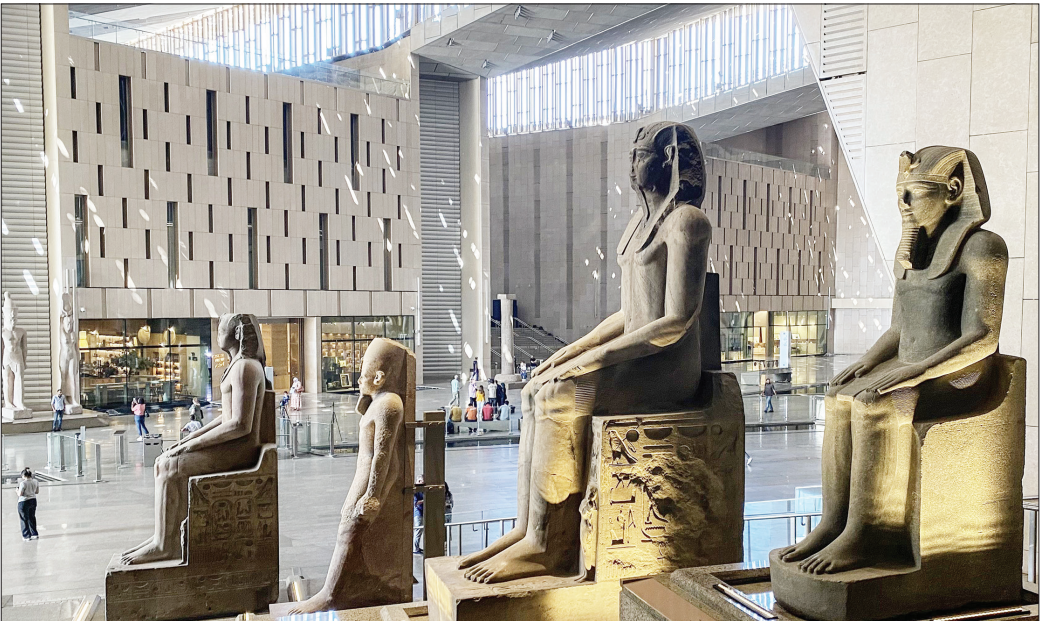
رسانه آزاد تهدید نیست، بلکه فرصت است؛ فرصتی برای اصلاح درون‌رأ، برای بازسازی اعتماد و برای دوام یک نظام سیاسی، رمز پایداری دولت‌ها در جهان امروز، وجود سازوکاری خوداصلاح‌گر از مسیر رسانه‌های مستقل و منتقد است. روزنامه‌نگاران صریح و حقیقت‌گو، دشمن نیستند، زبان سرخ آنان، نعمتی بزرگ برای هر حکومت خردمند است. آنان که از سر ناآگاهی یا سوءتدبیر، نقد رسانه را مغل امنیتی می‌پندارند، در حقیقت کشور را از مهم‌ترین پشتوانه استراتژیک خود محروم می‌کنند. دشمنان این سرزمین، از بستن دهان رسانه‌های آزاد و میدان دادن به دروغ‌گوینان رسمی، بیش از هر سلاح دیگری بهره می‌برند، چراکه بی‌اعتمادسازی، همان نقطه‌ای است که امنیت‌محلی از درون تهی می‌شود. در ماه‌های اخیر، روند نگران‌کننده‌ای باب شده و آن توقیف وب‌سایت رسانه‌های آنلاین و کاغذی در چارچوب رویه‌هایی سلیقه‌ای است. چنین اقداماتی بی‌تربید مصداق تحدید آزادی اطلاع‌رسانی و تهدید فعالیت مطبوعات مستقل است. حاکمیت و نهادهای مسئول بدانند که مدارا و تحمل در برابر رسانه، نشانه ضعف نیست، نیت‌خوانی و بر‌خود سلیقه‌ای با رسانه‌ها، بریدن شریان‌های شفافیت است. متأسفانه برخی مراکز فرافانونی برای کنترل قلم‌های مستقل، در پستو نشسته‌اند و با عینک بدبینی، اهل رسانه را رصدمی‌کنند. این رویکرد به نفع نظام نیست، زبان سرخ روزنامه‌نگاران مستقل، گرچه گاه تلخ و گرنده به نظر می‌رسد، اما در حقیقت نوشداروی سلامت جامعه است. نقد صادقانه آنان، اگر مجال بروز یابد، پیش‌ازآن که فساد ریشه بپزند و استخوان سوز شود، آن را از بن می‌خشکاند. تاریخ، گواهی روشن است بر این حقیقت که هرگاه رسانه‌ها آزاد بوده‌اند، دولت‌ها از سقوط و فسادهای بزرگ در امان مانده‌اند. در یک نوشته تحقیقی دکتر محسنیان‌راد، پژوهشگر ارتباطات، آورده که مطبوعات ایران از ابتدای انتشار، ۸۰ سال در انحصار دولت، ابزار مدح و ثنای مقام‌ها و ماشین تبلیغاتی دولت بوده است. سپس حدود ۹۰ سال، اگرچه انحصار دولت پایان یافته و ملت نیز مطبوعات منتشر می‌کردند، مجازات‌های غیر قانونی روزنامه‌نگاران و توقیف‌های متدنه، سبب شده بود که آنها در شرایط خفقان به سر برند. حدود ۱۹ سال دیگر، اگرچه فشار مستقیم حکومت دیده نمی‌شود، مجازات‌های غیرقانونی، توقیف‌های سلیقه‌ای و تبعیض‌ها منتهی به شکل‌گیری مطبوعات متعدد، خودسانسور و کم‌عمر شده است. حدود ۲۹ سال نیز مطبوعاتی مشابه دوره خودسانسور اما به‌صورتی خنثی و غریب‌زده مشغول فعالیت بودند. در کل این مدت، فقط حدود ۱۶ سال مطبوعات از آزادی بر خوردار بودند که آن‌هم به‌دلیل نهاده‌نشدن شرایط کار سالم در فضای آزادی، عملکرد آنها غالباً فرصت طلبانه و فحاشی بوده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مطبوعات ایران توانستند برای اولین‌بار در تاریخ حیات خود، آزادی را آن‌گونه تجربه کنند که به‌جای فحاشی و تبدیل‌شدن به مطبوعات زرد، به اندیشه‌موزی بپردازند، رسانه‌ها در دوره جنگ محدود شدند و چند روزنامه رسمی به‌همراه معدودی مجله باقی ماند. انتشار روزنامه سلام و مجلاتی چون آدینه، ایران فردا و بعدها پیام امروز، قدری فضا را تغییر داد، ولی نسیم آزادی بعد از دوم خرداد ۷۶ وزیدن گرفت. در این دوره نسلی از روزنامه‌نگاران حرفه‌ای پا به عرصه گذاشتند و مطبوعات به‌مثابه رکن چهارم دموکراسی، در این دوره معنا یافت، اما افسوس که سرنویشت غم‌باری یافتند. در طول این سال‌ها، تعداد زیادی رسانه دولت‌ساخته شامل خبرگزاری‌ها، روزنامه‌های رنگارنگ و کانال‌های خبری متعدد با بودجه‌های کلان به منصف ظهور رسید که عمده وظیفه آنها، تأیید و توجیه سیاست‌ها، پاسخ به مخالفان و نیز بی‌اثر کردن قلم‌های مستقل و نااهم‌هنگ با افکار قالبی بود. محروم‌شدن کشور از قلم‌های صادق و منتقد و نشر رسانه‌های این‌چنینی روزنامه‌نگاران دولتی، آواری از فسادهای کلان اقتصادی و سیاسی پدید آورد و تأثیر بزرگی بر بی‌اعتمادسازی مردم بر جای نهاد. شاید کسانی که زبان سرخ رسانه را برناتافتند و روزنامه‌نگاران را مجبورگو و زینت خواستند و برآن پای فشردند، امروز از کار خود پشیمان هستند و آرزو می‌کنند که ای کاش، حرف تلخ اهل قلم را به جان و دل می‌خردیم و امروز در برابر فساد اداری، چنین سرفاکنده مردم نگران آینده نمی‌شدیم. رسانه، دیده‌بان قدرت است و اگر این کارکرد به انجام نرسد، خود نهاد قدرت، متضرر بزرگ خواهد بود. صاحبان قدرت، قدر زبان سرخ رسانه‌های آزاد را بدانند. نگاه امنیتی به روزنامه‌نگاران جسور و بی‌پروا را بردارند و جای آن، دست حمایت‌گانه بگذارند. قدرت اگر خردمند باشد، می‌داند که تحمل رسانه، حفظ خویش است.

۱۶ ساعت 24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی
• مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمن منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۵۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



عکس: Getty Images

احیای مدرن مصر باستان

افتتاح موزه یک میلیارد دلاری در مصر نشانه‌ای است از تلاش برای احیای جایگاه پیشین این کشور در خاورمیانه و جهان عرب



فرزاد نعمتی

خبرنگار گروه فرهنگ

مصر زمانی چشم‌وچراغ جهان عرب بود و نقش پیش‌از آن در تحولات سیاسی و فرهنگی این منطقه، انکارناپذیر می‌نمود؛ چنان‌چه در بُعد فرهنگی، بسیاری از نگرش‌های مدرن و روشنفکرانه از این ناحیه بر خاست و در بُعد سیاسی همان‌طور که بسیاری بر آن صحه گذاشته‌اند، حکم «ستون ملت عرب» را پیدا کرد. نمودی از حیثیت فرهنگی مصر را می‌توان در نهاد دیرپا و هزارساله «الاهر» با جاست و شمالی از تشخص سیاسی آن به‌خصوص پس از کودتای افسران جوان و قدرت‌گیری جمال عبدالناصر به‌عنوان پدر پان عربیسم ظاهر شد. عبدالناصر معتقد بود: «ملت عرب یکی است و آینده‌اش به‌هم‌پیوسته است». در عین حال از نظر او: «مصر، رهبر عرب‌ها برای دستیابی به وحدت و کرامت خواهد بود» زیرا «مصر، مسئولیت تاریخی دارد که ملت عرب را در مسیر پیشرفت و استقلال رهبری کند. «با این همه کمتر می‌توان تردید کرد که به‌مرور، به‌ویژه پس از دوشکست از اسرائیل و با ظهور رکود اقتصادی، هیمنه مصر رو به زوال رفت و آنچه باقی ماند، فقط تصویری از آن گذشته شکوهمند بود.

بهار عربی و مصر متحول شده

با بهار عربی اما بار دیگر مصر به کانون توجه جهان بدل شد و بسیاری جنبش انقلابی جوانان این کشور را نشانه‌ای از نقش پیشروی جامعه مصر دانستند و امیدوار شدند که بازتاب حرکت مصری‌ها در دیگر کشورهای جهان عرب نیز دیده شود. این امید البته امروز به قدرت یک‌دهه پیش نیست، اما نمی‌توان از این نکته نیز به غفلت گذشت که هم‌زیر پوست جامعه مصری ر خنده‌هایی مهم و مدرن در حال وقوع است، هم رهبران مصری به‌خصوص در سال اخیر می‌کوشند موازنه‌ای نوین در منطقه ایجاد کنند، آن‌هم براساس پرستیژ سنتی مصر در دیپلماسی، تاریخ و توریسم. نمونه‌ای از این کنش‌ها را می‌توان در تلاش برای ایفای نقش میانجی‌گرانه در بحران فلسطین، توافق هجده‌و نیم‌میلیاردی این کشور با شرکت‌های اماراتی و عربستانی برای توسعه گردشگری در سواحل دریای سرخ و به‌تازگی بازگشایی موزه باستانی مصر مشاهده کرد.

بزرگ‌ترین مرکز باستان‌شناسی جهان

در روزهای اخیر خبر افتتاح موزه عظیم یک میلیارد دلاری مصر پس از دودهه انتظار، بر صدر اخبار گردشگری جهان نشست است. این موزه که مساحتی بالغ بر ۴۷۰ هزار مترمربع دارد، در فاصله دو کیلومتری مجموعه اهرام جیزه قرار دارد و آن را بزرگ‌ترین مرکز باستان‌شناسی جهان برای یک تمدن واحد قلمداد کرده‌اند. در اهمیت افتتاح این موزه همین بس که هیئت‌هایی بلندپایه از ۷۹ کشور شامل؛ پادشاهان، روسای جمهور و نخست‌وزیران در مراسم گشایش آن حضور داشتند. ساخت این مجموعه در سال ۱۹۹۲ اعلام شد، اما در عمل تا سال ۲۰۰۵ خبری از ساخت نبود. در نهایت برخی از بخش‌های موزه در سال ۲۰۲۴ به‌صورت آزمایشی افتتاح شدند و در روز اول نوامبر، موزه‌ای که یک‌بار نیز افتتاح آن به‌خاطر جنگ غزه به تعویق افتاده بود، به‌طور رسمی آغاز به کار کرد. این موزه شامل ۲۴ هزار مترمربع فضای نمایشگاهی دائمی، یک موزه کودکان، امکانات کنفرانس و آموزشی، یک منطقه تجاری و یک مرکز بزرگ حفاظت از آثار باستانی است. ۱۲ گالری اصلی که سال گذشته افتتاح شدند، آثار باستانی از دوران ماقبل تاریخ تا دوران روم را براساس دوره و موضوع به نمایش می‌گذارند. بسیاری از این آثار باستانی از موزه مصر، ساختمانی شلوغ و ۱۰۰ ساله در میدان تحریر قاهره، به این مکان منتقل شده‌اند. برخی دیگر نیز به‌تازگی از گورستان‌های باستانی از جمله گورستان سقاره کشف شده‌اند. روی هم رفته بیش از ۵۰ هزار اثر از جمله یک مجسمه غول‌پیکر ۸۳ تنی ۳۲۰۰ ساله از رامسس دوم و یک قایق ۴۵۰۰ ساله متعلق به خوفو- فرعون‌ی که ساخت اهرام به او نسبت داده می‌شود. در این موزه به تماشا گذاشته شده

است. این‌ها همه، البته در حالی است که نگرانی‌هایی نیز در مورد ایمنی آثار باستانی در مصر مطرح می‌شود زیرا برای نمونه در هفته‌های اخیر، دو اثر باستانی از جمله یک دستبند طلایی سه‌هزار ساله فرعون که از یک آزمایشگاه حفاظت در موزه قاهره امانت گرفته شده بود، به‌سرقت رفته است. در طول بهار عربی نیز غارتگران به اماکن باستانی حمله کردند و این امر منجر به از بین رفتن چندین اثر باستانی شد.

تقاطع تمدن‌ها

مصری‌ها در جهان عرب و تمدن اسلامی جایگاهی ویژه دارند اما عطف‌توجه به هویت پیشااسلامی (مصر باستان و مصر قبطی) نیز در این تمدن کهن همچنان وجود دارد و با وجود اینکه گاه حتی برخی رابطه میان این تمدن‌ها را تعارض آمیز ارزیابی کرده‌اند، اما به نظر می‌رسد دهه‌هاست مصری‌ها هویت چندلای خود را به هماهنگی رسانده‌اند. نمونه‌اش سخنرانی نجیب محفوظ، نویسنده بزرگ مصری که در مراسم دریافت جایزه نوبل ادبیات ۱۹۸۸ گفت: «من فرزند دو تمدن هستم که در برهه‌ای از تاریخ، پیوندی سعادتمندانه برقرار کرده‌اند. اولین آنها با قدمتی هفت‌هزار ساله، تمدن فرعون‌ی است؛ دومی با قدمتی ۱۴۰۰ ساله، تمدن اسلامی است.» اینک نیز شریف فتحی، وزیر گردشگری و آثار باستانی مصر، در این مراسم از این سخن گفت که: «این هدیه‌ای از مصر به جهان است و ما مفتخریم که بالاخره آن را به اشتراک می‌گذاریم.»

برگ برنده

هدیه‌ای که شریف فتحی از آن صحبت می‌کند، نمودار یکی از ارزنده‌ترین ادوار تمدن بشری است و تلاش مصری‌ها برای رونمایی از آن را در کنار پیامدهای سیاسی و اقتصادی، باید واجد دلالت‌هایی هویت‌مدارانه نیز دانست. در روزگاری که عربستان سعودی، امارات متحده عربی و قطر به‌عنوان قدرت‌های سیاسی، اقتصادی و دیپلماتیک در جهان عرب خودنمایی می‌کنند، گویی مصری‌های خواهند برگ برنده قدمت تاریخی خود را همچون آبی برنده، روی میز بگذارند و نشان بدهند دود همچنان از کنده بلند می‌شود.

خیزش گردشگری مصر

آثار اقتصادی این موزه نیز البته قابل چشم‌پوشی نیست. بعد از اینکه در بهار عربی و همه‌گیری کوید ۱۹، تعداد گردشگران کاهش یافت، در سال‌های اخیر دوباره توریسم مصر، رونقی نسبی را تجربه می‌کند و در سال ۲۰۲۴، نزدیک ۱۶ میلیون نفر از مصر بازدید کردند. دولت نیز اعلام کرده است که قصد دارد تا سال ۲۰۳۲ این تعداد را دوبار بر کند. برای تحقق چنین هدف بلندپروازانه‌ای، سیاست‌گذاران مصری حتماً به نقش این موزه نگاهی ویژه دارند. در این زمینه مدیریت این موزه اعلام کرده است که انتظار می‌رود روزانه بین ۱۵ هزار تا ۲۰ هزار از موزه بازدید کنند تا بدین طریق چرخ دومین اقتصاد بزرگ قاره آفریقا بهتر از گذشته بچرخد.

می‌دانیم که اقتصاد گردشگری در مصر یکی از بخش‌های مهم صنعت خدمات این کشور است و تأثیر قابل توجهی بر اشتغال، ارزآوری و رشد اقتصادی دارد. سهم بخش گردشگری از تولید ناخالص داخلی مصر در سال ۲۰۲۴، بیش از ۸ درصد بوده و درآمد گردشگری مصر در همین سال که حدود ۱۵ میلیون گردشگر بین‌المللی وارد مصر شده‌اند، به بیش از ۱۵ میلیارد دلار رسیده است. این امر به اشتغال حدود ۱/۶ میلیون نفر انجامیده است. این ارقام البته در مقایسه با کشوری چون ترکیه که در این سال حدود ۶۲/۲ میلیون بازدیدکننده داشته و درآمدش حدود ۶۱/۱ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود، هنوز ناچیز است و به درآمد امارات متحده عربی از گردشگری نیز که نزدیک ۶۴ میلیارد دلار است، نمی‌رسد. با این همه احتمالاً در ذهن مصری‌ها این روزها این ایده می‌درخشد که وقتی اماراتی‌ها با سازه‌های لوکس، صنعت توریسم منطقه را فتح کرده‌اند، چرا ما با تاریخ و فرهنگی دیرپا نتوانیم صدنشین این بازی شویم؟

چهره

موسیقی محلی را جهانی کرد



اکرم بنایی، خواننده صاحب‌سبک موسیقی محلی ایران، دیروز درگذشت. پوری بنایی، خواهر او این خبر را داده است. اکرم بنایی، صدایی گرم و سبکی منحصر به‌فرد داشت. از همان نوجوانی عشق به موسیقی را در دل پروراند و این علاقه را با تحصیل در دانشگاه کالیفرنیا- جایی که دکترای کنسرواتواری گرفت- پیوند زد. او با تکیه بر همین

دانش موسیقی به بازخوانی و احیای ترانه‌های محلی ایران پرداخت و اجرای ترانه‌های محلی را به سطحی تازه رساند. اکرم بنایی، چندین اثر معروف دارد که از جمله آنها «رشیدخان» و «گل پامچال» هنوز هم بسیار محبوب هستند؛ آثاری که گواه بر درک دقیق او از ملودی‌ها و لحن‌های محلی و نشان‌دهنده تلفیق هنرمدانه اصالت و دانش نوین موسیقی‌اند. صدای او تن‌آلیته‌ویژه‌ای داشت که آن را برای اجرای ترانه‌های محلی مناسب می‌ساخت و با همین دانش و تسلط، بازیگران موسیقی کشور مانند محمدعلی امیر جاهد و منوچهر چشم‌آذر کار کرد. اکرم بنایی سهم بسزایی در حفظ و اشاعه موسیقی محلی ایران ایفا کرد و میراثی گران‌بها از موسیقی محلی ایران بر جای گذاشت. از آثار او امروزه به‌عنوان منبع معتبری برای مطالعه و بازسازی ترانه‌های فولکلوریک استفاده می‌شود. اکرم بنایی، وفادار به سنت‌ها بود و با نبوغ و دانش، هنر ایرانی را جهانی کرد.

ادامه سر مقاله

برخی افراد هر چیزی را به خود می‌گیرند در خوش‌بینانه‌ترین حالت و به قول قرآن «یحییسون کل صیحه علیهم» و در حالت بدبینانه هم با علم و آگاهی مسئله را به ناحق متناسب به چیز دیگری می‌کنند. مواضع هم‌میهن در مورد حجاب و پوشش زنان روشن است حداقل در چندین سر مقاله به روشنی به مسئله پرداخته‌ایم و در مورد طرح هفته پیش نیز در سر مقاله توضیح دادیم که چرا چنین برداشتی از طرح روزنامه به کلی نادرست و خلاف منطق است و فقط ذهن غیر متعارف می‌تواند چنین برداشتی کند. سوم؛ گزارش هم‌میهن نه در دفاع از اتهام بود و نه نفی اتهام. این مسئله ما نیست. روزانه صدها حکم علیه و له افراد صادر می‌شود و ربطی هم به ما ندارد. نه صمنی با خانم شاکلی داریم و نه هیچ خصوصی با متهم. ولی این را می‌دانیم و پرداختن به آن را وظیفه خود می‌دانیم که رسیدگی عادلانه مستلزم دادرسی منصفانه و در فضای عمومی است. معیار ما هم در دادرسی عادلانه این است؛ هنگامی که حکم صادر شده همه یا اکثریت نفس را حتی بکشند و بگویند حق اجرا شده است. نه اینکه پس از صدور حکم هم معترض حکم شوند شواهد خلاف آن را به رخ دادگاه و حکومت بکشند. چهارم؛ اطمینان داریم که ریاست محترم قوه قضائیه خیلی خوب می‌دانند که در دهه ۸۰ به دلیل عملکرد برخی قضات چه ضربه سنگینی به دستگاه قضایی وارد شد که جای زخم آن هنوز هم التیام نیافته است. قضاتی که سرانجام آنان محکومیت‌های بعدی خودشان بود. در واقع احیا و بازسازی اعتبار نهاد قضاوت که مهم‌ترین شاخص برای یک حکومت است در دوره اخیر و به آرامی در حال بازسازی است و نباید اجازه داد که تندروهای سیاسی این روند آرام را خدشه‌دار کنند. متأسفانه در ماجرای اخیر بیش از این که هدف دروغ آنان که دفاع از ارزشی دینی باشد، دنبال تخطئه حق زندگی و استیفای حقوق زنان و دفاع از متهم پیش از رسیدگی منصفانه هستند، در حالی که حکمی صادر نشده است. پنجم؛ جناب آقای اژه‌ای! اکنون و با خروج متهم از کشور که هیچ عجله‌ای برای این کار نبود و تا صدور حکم می‌توانست صبر کند و چنین هزینه‌ای را برای نظام قضایی کشور ایجاد نکنند این تصور وجود دارد که شاید حمایت از نامبرده ابعاد دیگری پیدا کند، و این حمایت از طریق فشار قضایی به هم‌میهن و بستن سایت و فضای مجازی آن است. چنین اقدامی گرچه مستند به هیچ حکم رسمی هم نیست و ما نیز برای کاهش سروصدا آن را داوطلبانه پذیرفتیم ولی آنان می‌خواهند آن را به پای این قوه بنویسند در حالی که ضوابط قضایی به کلی متفاوت از فرایند طی شده در این مورد است. در پایان بگویم که حتماً توجه دارید که هم‌میهن بیش از هر روزنامه‌ای در مسائل و نقدهای سازنده قضایی اهتمام دارد و به صورت راهگشا و منصفانه نقد می‌کند. اکنون هم درگیر یک رقابت غیرقانونی سیاسی شده‌اند اطمینان داریم که جنابعالی توجه لازم را برای ممانعت از آلوده کردن قوه از سوی بدخواهان مبذول خواهید داشت.

کل من علیافان

برادر گرامی

جناب آقای مهندس تقی‌زاده خامسی

درگذشت مادر گرامی را به جنابعالی و همه

بستگان تسلیت می‌گویم . برای آن مرحومه امید

رضوان الهی و آرامش ابدی دارم. خداوند به شما

و همه خاندان سلامتی و صبر عطا کند.

غلامحسین کرباسچی